

فصل اول

تولید

دانشجو در این فصل مفاهیم زیر را فرا می‌گیرد:

- ◀ تعریف هنر
 - ◀ تعاریف هنر از دیدگاه‌های مختلف
 - ◀ تعریف زیبا شناسی
 - ◀ مراحل آفرینش یک اثر هنری
 - ◀ آشنایی با مراحل تولید برنامه تلویزیونی
 - ◀ عوامل تولید برنامه تلویزیونی
 - ◀ «طرح» فیلمنامه
 - ◀ طراح صحنه کیست؟
 - ◀ طراحی صحنه
 - ◀ طراحی لباس
 - ◀ نورپردازی
 - ◀ صدا
 - ◀ کارگردانی
 - ◀ بازیگر کیست؟
 - ◀ مجری کیست؟
-

□ هنر

در پارسی میانه هنر به شکل «هونر» بوده که از دو پاره هو (خوب) + نر (مرد) تشکیل یافته و در جامعه مردسالار ایران همانگونه که دلاوری را مردانگی و ایستادگی را پایمردی نام گذارده‌اند.

خلاقیت والا را نیز هونر = خوب مردی نامیده‌اند.

بسیاری بر این باورند که هنر مقوله قابل تعریفی نیست مانند عشق، هویت و ... تنها تمامی اینها را می‌توان از روی صفات آنها شناخت.

- هنر انعکاس تخیل و تصور هنرمند است.

- هنر افزایش زیبایی است و نیروی دانایی.

- هنر گزارش و ترجمه‌ای است از روح هنرمند.

- دعوتی است به سوی سعادت.

- لذت و شعوری است که عینیت یافته.

- تشبیهی از جهان است که ما از آن لذت می‌بریم.

- کوششی است برای ایجاد زیبایی و عالم ایده‌ال.

- شکل دادن به تجارب انسان که ما بدان می‌نگریم و از آن لذت می‌بریم.

- یک واژه کلی برای اشاره به حس و انگیزه انجام یک حرکت خلاق است.



□ تعاریف هنر از دیدگاه‌های مختلف

❖ تولستوی:

هنر یک فعالیت انسانی است که انسان آگاهانه و به یاری علایم ظاهری، احساسات تجربه شده خود را به دیگران انتقال دهد، به طوری که آنها نیز آن احساسات را تجربه نمایند و از مسیر حسی و خیالی که هنرمند از آن گذشته است، بگذرد. هنر وسیله کسب لذت نیست بلکه وسیله ارتباط با انسان‌ها جهت سیر به سوی سعادت فرد و جامعه انسانی است.

❖ بندیتو کروچه:

ماهیت هنر را نوعی شهود می‌داند که در واقع تجربه‌ای درونی جهت کشف جمال الهی است. عشق به حسن و جمال از فطرت الهی انسان سرچشمه می‌گیرد که روانشناسان امروزه از آن بنام حس زیبایی و جمال دوستی در روح انسان یاد می‌کنند. این حس، زیبایی ذاتی است و این نمود زیبا که برای انسان جلوه می‌کند، بازتاب حس درونی است.

□ تعریف هنر از دیدگاه اسلام

در اندیشه‌های اسلامی، نفس و ذات هنر مانند علم، ادب، هنر، حکمت و اخلاق امری ذوقی و وجدانی یا شهودی است و با جان هنرمند پیوند دارد. هنر، مبتنی بر نوعی علم و معرفت باطنی است که سرچشمه آسمانی دارد. هنر که زیبایی و آفرینندگی است، با نوعی خودآگاهی عرفانی و شهود درونی پیوند خورده است. انسان هنرمند با درک این شهود تمام عالم را شهود می‌نماید. هنر تجلی و تمثیل نفس زیبایی و جمال حق است. الهام، زیبایی و خیال باطنی، جان مایه هنر است.



هنر، ظهور و جلوه جان پاک و زیبایی هنرمند است که در آثار و سبک هنری او انعکاس یافته است. هنر، لطیف‌ترین و ظریف‌ترین تجلی ادراک هنرمند و جلوه و تجلی صورت جهان هستی است که از عالم برتر هستی و خیال برتر هنرمند سرچشمه گرفته است.

□ زیبایی‌شناسی

فرضیه‌ها و علم زیبایی‌شناسی: از حدود ۲۰۰ سال پیش میان طبقات ثروتمند مسیحی اروپا رواج یافت همزمان در کشورهای ایتالیا، هلند، فرانسه و انگلستان نیز رشد یافت باومگارتن، ابداع‌کننده عملی و نظری این امر بوده است.

زیبایی کامل یا مطلق، آن است که به مدد احساس شناخته می‌شود. حقیقت کامل یا مطلق آن است که با عقل شناخته می‌شود. خوبی کامل یا مطلق آن است که از طریق اراده اخلاقی به دست می‌آید.

باومگارتن

زیبایی را با توازن بین نظام اجزاء و نسبت متقابل آنها و نسبت آنها به تمام زیبایی تعریف کرده است. منظور و هدف زیبایی؛ تحریک رغبت و اشتیاق است. درباره تجلی زیبایی معتقد است که عالی‌ترین تحقق زیبایی را در طبیعت می‌شناسیم. از این‌رو تقلید از طبیعت عالی‌ترین مسأله هنر است.

زولستر

تنها آن چیز که متضمن خوب است می‌تواند به عنوان زیبا شناخته شود. هدف تمام زندگانی بشریت خوبی حیات اجتماعی است.

این خوبی از راه آراء و تدابیر اخلاقی به دست می‌آید و هنر بایستی تابع این مقصد باشد. زیبایی آن است که این آراء و تدابیر را برانگیزد و تربیت کند.

مندلسن:

هنر زیبایی را که با احساس مبهمی ادراک می‌گردد به مرحله شی حقیقی و خوب ارتقاء می‌دهد. لیکن منظور هنر کمال اخلاقی است.



وینکل مان:

قانون و مقصد هر هنر چیزی جز زیبایی نیست.

پاگانو:

هنر آن است که زیبایی‌های پراکنده در طبیعت را در یک جا گرد آورد. باید گفت که عقایدی که درباره زیبایی و هنر بیان شده است به هیچ رو شامل کلیه عقایدی نیست که در این باره به قلم آمده است. به علاوه هر روز نویسندگان زیبایی‌شناس جدیدی ظهور می‌کنند که هنگام تعریف زیبایی در عقاید ایشان نیز همان ابهام و همان تناقض آشکار به چشم می‌خورد.

□ مراحل آفرینش یک اثر هنری

در جریان تجزیه و تحلیل مراحل مختلف آفرینش و شکل‌گیری هر اثر هنری، می‌توان گفت که نخستین مرحله در شکل‌گیری و آفرینش یک اثر هنری، مرحله دریافت است، که در این مرحله، هنرمند نخستین اندیشه و نمادی را که در هیأت اشکال مادی و محسوس، ظاهر می‌شوند، دریافت می‌کند. دومین مرحله را، مرحله تحلیل می‌نامیم، که ذهن هنرمند از راه شهود و الهام در شکل عینی این اندیشه و نماد، تغییراتی داده و صورتهای خیالی به آن می‌افزاید و بالاخره سومین مرحله در روند آفرینش یک اثر هنری، مرحله آفرینش است که هنرمند سرانجام برای بیان مفاهیم صورتهای ذهنی خویش، به انتخاب مواد و مصالح و ابزار کار و شیوه مناسب می‌پردازد و در این راه از تمامی توانایی‌های تکنیکی و آگاهی‌های هنری خویش بهره می‌گیرد. پس، آفرینش هر اثر هنری مبتنی بر گذر از سه مرحله است:

۱- مرحله «دریافت»

۲- مرحله «تحلیل»

۳- مرحله «آفرینش»

که به ترتیب بر سه رأس مثلث آفرینش قرار دارند.

❖ ۱- مرحله دریافت

اساس تفکر انسانی، دریافت حسی است، دریافت، اندیشه هنرمند را شکل می‌بخشد، پندارها و آرمان‌های ذهنی او را پی می‌ریزد و نیروی تخیل و تصور وی را باور می‌سازد. هنرمند از طریق دیدن و مشاهده کردن، شنیدن و لمس کردن و سایر حواس، با جهان پیرامون خویش، در پیوندی ناگسستنی قرار می‌گیرد. و از این رهگذر، به دریافت‌های حسی بی‌شماری دست می‌یابد.

❖ ۲- مرحله تحلیل

مرحله تحلیل در جریان آفرینش هنری، زمانی آغاز می‌شود که هنرمند بعد از دریافت‌های حسی خویش از جهان پیرامون خود، به منظور بیان اندیشه ذهنی خود، دست به انتخاب شکل‌هایی نمادین می‌زند، در این هنگام ذهن هنرمند از راه شهود و الهام و نیز با تأثیرپذیری از ویژگی‌های فرهنگ ذخیره فردی، در چگونگی شکل و صورت نماد یا اندیشه مزبور، تغییراتی به وجود می‌آورد و صور ذهنی جایگزین صورت‌های عینی می‌شوند. از این روی است که دریافت‌های هنرمند از طبیعت، پس از گذر از مرحله تحلیل به صورت‌های ذهنی و تخیلی، تغییر شکل می‌یابند و در حقیقت، طبیعت توسط ذهن هنرمند تفسیر می‌شود و نه تقلید.

❖ ۳- مرحله آفرینش

آنچه در مرحله تحلیل در روند آفرینش هنر زاده می‌شود، عصاره یک سلسله تجزیه و تحلیل‌های ذهنی است که در نهایت به صورت شکل‌هایی ذهنی و تخیلی آماده ابراز بیان می‌شوند. در مرحله آخر که آفرینش می‌نامیم، هنرمند برای بیان صورت‌های ذهنی خویش و انتقال مفاهیم آن به دیگران، نیازمند به ابزار و وسایل گوناگون بیان است.



□ مراحل تولید برنامه تلویزیونی

- ۱- شناسایی هدف
- ۲- شناسایی علت نیاز ساخت برنامه
- ۳- شناسایی مخاطبان برنامه
- ۴- بررسی تولیدات مشابه
- ۵- تامین ارزش برگشت سرمایه
- ۶- مشاوره با کارشناس محتوا
- ۷- نگارش اولیه طرح برنامه
- ۸- اصلاح اولیه و تنظیم طرح نهایی برنامه
- ۹- تصویب طرح
- ۱۰- تنظیم جدول تولید برنامه و اصلاح نهایی بر روی طرح
- ۱۱- انتخاب افراد جلوی دوربین
- ۱۲- انتخاب مکان تصویربرداری
- ۱۳- انتخاب دکور، لباس، گریم و وسایل صحنه
- ۱۴- تمرین با بازیگران و آماده‌سازی
- ۱۵- فیلمبرداری و یا ضبط
- ۱۶- تدوین
- ۱۷- صداگذاری
- ۱۸- پخش
- ۱۹- ارزیابی پس از پخش

□ عوامل تولید برنامه تلویزیونی:

برای ساختن یک برنامه تلویزیونی افراد زیادی درگیر ساخت می‌شوند. این گروه را گروه تولید می‌گویند. این گروه عبارتند از:

- ۱- **تهیه کننده:** سازمان دهنده و سرپرست برنامه از ابتدا تا انتها.
- ۲- **کارگردان:** برنامه را تفسیر و عملیات را هدایت و هماهنگ می کند.
- ۳- **دستیار کارگردان:** از سوی کارگردان مامور هدایت و راهنمایی گروه تولید است.
- ۴- **دستیار تهیه کننده:** در طول اجرا و ضبط کنترل می کند تا موارد مغایری با متن تصویب شده وجود نداشته باشد و از نظر برنامه زمان بندی هم اشتباهی صورت نگیرد
- ۵- **مدیر تدارکات:** تهیه کننده و کارگردان را در زمینه هزینه ها و بودجه کمک می کند.
- ۶- **مدیر صحنه:** هدایت کننده بازیگران و مجریان بر اساس دستوراتی که از کارگردان دریافت می دارد.
- ۷- **نویسنده تصویرنامه:** متن برنامه را تهیه می کند.
- ۸- **پژوهشگر:** تحقیقات مربوط به موضوع را انجام می دهد.
- ۹- **تنظیم کننده تصویرنامه و گفتار مربوط به آن:** شکل نوشته را بررسی و تنظیم می کند.
- ۱۰- **افرادی که مقابل دوربین قرار می گیرند عبارتند از:** بازیگران، مجریان، نوازندگان، خوانندگان، اجراکنندگان حرکات موزون، گویندگان، مصاحبه شونده‌گان، مصاحبه گران، گردانندگان صحنه، گویندگان اخبار، گزارشگران، مهمانان برنامه و تماشاگران.
- ۱۱- **مدیر فنی:** این فرد وسایل فنی را سازماندهی، سرپرستی و هماهنگ می کنند.
- ۱۲- **متصدیان دوربین:** با دوربین های ویدیویی فیلمبرداری می کنند.
- ۱۳- **دستیار متصدی دوربین:** مسئولان حرکت جرثقیل ها و برای حرکت دادن پایه دوربین.
- ۱۴- **کارگردان فنی:** با وسایل تولید ویدئو، کار تغییر نماها و تلفیق تصاویر و جایگزین شدن تصویری به جای تصویر دیگر.
- ۱۵- **طراح نور:** طراحی و تنظیم و کنترل نور در صحنه تلویزیونی را انجام می دهد.
- ۱۶- **برقکار یا مسئول برق:** تحت سرپرستی دستیار اول تصویربردار وسایل نورپردازی را نگهداری و مرتب می کند.



۱۷- **مسئول کنترل تصاویر:** برای کنترل کیفیت تصاویر و هم‌رنگی منابع نور
۱۸- **صدابردار:** کیفیت صدا را کنترل می‌کند و به وسیله گروه صدابرداری
همراهی می‌شود.

۱۹- **مسئول بوم:** بوم صدا یا بازوی دستی میکروفون را حرکت می‌دهد.
۲۰- **دستیار صدابردار:** مسئول مرتب کردن و نگهداری وسایل صداست.
۲۱- **مسئول طراحی و نوشتن حروف:** هنرمندی که تصاویر گرافیک رایانه‌ای را خلق
می‌کند و طراح جلوه‌های ویژه ویدیویی.
۲۲- **رسم طرح‌های صحنه:** طراح صحنه را در تهیه طرح‌های صحنه و دکور کمک می‌کند.
۲۳- **سازندگان دکور:** نجارها، نقاش‌ها و غیره که دکور صحنه را بر اساس خواست طراح
آماده می‌کنند.

۲۴- **مسئول وسایل صحنه:** تزیینات و وسایل صحنه و دکور را اجاره یا خریداری می‌کند.
۲۵- **تدوین‌کنندگان دکور:** که دکور را با کمک گروه صحنه برپا می‌کنند.
۲۶- **متصدی وسایل صحنه:** وسایل صحنه را آماده و در جای خود نصب می‌کنند.
۲۷- **مسئول تزیین دکور صحنه:** هنرمند نقاشی که زیباسازی دکور را انجام می‌دهند.
۲۸- **گروه صحنه:** در طول پخش یا ضبط برنامه برای حرکت دادن دکور یا
وسایل تلاش می‌کنند.

۲۹- **طراح چهره‌پردازی:** برای برنامه‌های بزرگ طرح چهره‌پردازی را ارائه می‌کند.
۳۰- **چهره‌پردازان (دستیار طراح):** بازیگران و مجریان را چهره‌پردازی می‌کنند.
۳۱- **طراح لباس:** در تولید برنامه‌های بزرگ، لباس‌های مورد نیاز مجریان یا بازیگران و
غیره را یا دستور دوخت می‌دهند و یا از انبار اجاره می‌کنند.

۳۲- **مسئول جامه‌داری:** لباس‌های بازیگران و مجریان برنامه را تنظیم و مرتب می‌نماید.
۳۳- **دستیار جامه‌دار:** افراد را در پوشیدن و درآوردن لباس‌های مخصوص صحنه
یاری می‌دهد.

۳۴- **طراح جلوه‌های ویژه:** جلوه‌های ویژه فنی را، مثل بارش باران و برف و آتش‌سوزی و ... را طراحی و اجرا می‌کند.

۳۵- **مسئول ضبط نوار ویدیویی:** مسئول ضبط تصاویر و صداها روی نوار مغناطیسی ویدئو.

۳۶- **مسئول تدوین نوار ویدئو.**

۳۷- **متصدی دستگاه تله‌سینما:** با دستگاهی کار می‌کند که تصویر و صدای فیلم‌های مختلف را قابل ضبط روی نوار مغناطیسی ویدئو می‌سازد.

۳۸- **کارهای پس‌تولید:** تدوین نهایی، تلفیق و ضبط صوتی و تصویری روی نوار اصلی ویدئو.

□ طرح فیلمنامه

نوشتن طرح (plot) اولین مرحله از سه مرحله‌ی عملی نوشتن فیلمنامه است؛ دو مرحله‌ی بعدی، به ترتیب شامل نوشتن «سیناپسس» (خلاصه‌ی سکانس‌ها) و فیلمنامه‌ی نهایی است. بدون داشتن طرح فیلمنامه، نوشتن فیلمنامه تقریباً ناممکن است و راه به جایی نمی‌برد، همچنان که بدون کشیدن نقشه‌ی یک ساختمان، بنا کردن آن ساختمان غیرممکن است؛ اگر کسی بدون نگارش یک طرح دقیق مستقیماً دست به کار نوشتن فیلمنامه شود، همانقدر خود را سرگردان و خسته خواهد کرد که گروهی کارگر ساختمانی، با مقداری آهن و آجر و دیگر مصالح، اما بدون نقشه و اصول معماری، به ساختن ساختمانی مشغول شوند؛ این بنای بی‌طرح و نقشه، چون بی‌پایه و ستون و فاقد محاسبات دقیق مهندسی است، نهایتاً یا محل زندگی نخواهد بود یا فرو خواهد ریخت.

اگر به واژه‌ی انگلیسی داخل پرانتز در مقابل کلمه‌ی «طرح» نگاه کنید و به جستجوی معنی آن در فرهنگ‌های انگلیسی به فارسی بپردازد، خواهید دید که «نقشه کشیدن» معنی دیگر plot است. ضمناً در کتاب‌های مربوط به اصول داستان‌نویسی، درام‌نویسی و فیلمنامه‌نویسی که به فارسی ترجمه شده‌اند، در مقابل واژه‌ی plot، علاوه بر واژه‌ی «طرح» از واژه‌ی «پیرنگ» هم استفاده شده است.